

صداهایی از چرنوبیل

تاریخ شفاهی یک فاجعه اتمی

اسوتلانا الکسیویچ

گیت گسن

www.ketab.ir

انتشارات
آتیس

سرشناسه

: آلکسی ویچ، اسوتلانا، ۱۹۴۸-م.

-Aleksievich, Svetlana, 1948

عنوان و نام پدیدآور

: صداهایی از چرنوبیل / مولف اسوتلانا آلکسی ویچ ؛ مترجم معصومه راشدی.

مشخصات نشر

: تهران: انتشارات آتیس، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

: ۲۴۰ص. م.س ۵/۱۴×۵/۲۱

شابک

: 978-622-289-134-3

وضعیت فهرست نویسی

: فیپا

یادداشت

: عنوان اصلی: Чернобыльская молитва (хроника будущего).

یادداشت

: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "Voices from Chernobyl" به فارسی برگردانده شده است.

یادداشت

: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است

موضوع

: حادثه هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶م.-- خاطرات بلاروسی

موضوع

: Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986-- Personal narratives, Belarusian

موضوع

: حادثه هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶م.-- روسیه سفید-- جنبه‌های اجتماعی

موضوع

: Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986--Social aspects--Belarus

موضوع

: حادثه هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶م.-- روسیه سفید-- جنبه‌های زیست‌محیطی

موضوع

: Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986--Environmental aspects--Belarus

شناسه افزوده

: راشدی، معصومه؛ مترجم

رده بندی کنگره

: ۵/۱۸۶TD

رده بندی دیویی

: ۱۷۹۹۰۹۴۷۷۶/۳۶۳

شماره کتابشناسی ملی

: ۷۷۲۹۴۲۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی

: فیپا

انتشارات
آتیس

دفتر انتشارات و فروش: خیابان فلسطین خیابان لبافی نژاد نرسیده به خیابان دانشگاه طبقه

اول پلاک ۱۱۵ تلفن: ۶۶۴۶۵۸۸۱-۶۶۴۹۸۳۰۰

■ صداهایی از چرنوبیل

♦ مترجم: معصومه راشدی

♦ مولف: اسوتلانا آلکسی ویچ

♦ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

♦ ناشر: آتیس

♦ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۹-۱۳۴-۳

♦ نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۰

♦ چاپ و صحافی: گنج شایگان

فهرست

۶	مقدمه نویسنده
۱۱	یادداشت‌های تاریخی
۱۴	خلاصه اخبار جهان
۱۵	مقدمه: صدای انسانی تنها
۳۵	بخش اول: سرزمین مردگان
۴۲	زینایدا کوالنکو، از ساکنانی که خانه‌اش را ترک نکرد
۴۵	نیکولای کالوگین، پدری داغ‌دیده
۶۷	دختر
۷۶	درباره ندامت و پشیمانی
۷۹	کسانی که بازگشتند
۹۱	بخش دوم: سرزمین زندگان
۹۱	درباره رسالت و غیب‌گویی‌های دیرین
۹۵	درباره یک چشم‌انداز مهتابی
۹۶	درباره مردی که هنگام عروج مسیح دنیا را در داشت
۱۰۳	درباره یک گلوله
۱۰۹	درباره اینکه نمی‌توانیم بدون چخوف و تولستوی زندگی کنیم
۱۱۴	درباره فیلم‌های جنگی
۱۲۳	یک فریاد
۱۲۴	درباره یک ملت جدید
۱۳۷	درباره دروغ‌ها و حقایق
۱۴۶	نعمه‌سرایی مردم
۱۵۷	بخش سوم: حیران و سرگشته از غم
۱۵۷	درباره چیزی که نمی‌دانستیم: مرگ هم می‌تواند بسیار زیبا باشد
۱۶۰	درباره بیل و اتم
۱۶۷	درباره سنجش و اندازه‌گیری
۱۷۶	درباره پاسخ‌ها
۱۷۹	درباره خاطرات

۱۸۳	 دربارهٔ علاقه به فیزیک
۱۸۷	 دربارهٔ ژامبون گران قیمت
۱۹۰	 دربارهٔ آزادی و آرزوی یک مرگ معمولی
۱۹۵	 دربارهٔ سایهٔ مرگ
۲۰۰	 دربارهٔ یک کودک ناقص
۲۰۲	 دربارهٔ تدبیر سیاسی
۲۰۷	 یکی از طرفداران حکومت شوروی
۲۰۸	 دربارهٔ دستورالعمل‌ها
۲۱۱	 دربارهٔ واقعیت‌ها
۲۱۸	 دربارهٔ اینکه چرا چرنوبیل را دوست داریم
۲۲۲	 نغمه‌سرایی کودکان
۲۲۵	 صدای یک انسان تنها
۲۳۹	 کلام آخر

مقدمه نویسنده

پس از آنکه نخستین هواپیمای ربوده شده در تاریخ یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با کانون تجارت جهان اصابت کرد، نیروهای امدادی از شهر نیویورک به محل حادثه اعزام شدند. دکترها و پرستاران برای اضافه کاری به سوی بیمارستان‌ها شتافتند. افراد بسیاری هم برای اهدای خون به بیمارستان‌ها مراجعه کردند. صحنه‌های متأثرکننده‌ای از سخاوتمندی، اتحاد و همبستگی میان مردم دیده شد. مسئله تعجب‌آور این بود که به دلیل ازدیاد اهدای خون و خدمات پزشکی، بسیاری از آن‌ها غیرضروری و بلااستفاده باقی ماندند. پس از انفجار دو برج، بقایای بسیار اندکی از آن‌ها باقی مانده بود.

تأثیرات انفجار و آتشی که بر اثر حادثه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در ۱۹۸۶ به وقوع پیوسته بود، کاملاً عکس این بود. در انفجار نخست فقط یکی از کارکنان نیروگاه به نام والری خودمچوک^۱ جان خود را از دست داد. در هفته‌های آتی هم کمتر از سی تن از کارکنان و آتش‌نشان‌ها بر اثر مسمومیت ناشی از اشعه رادیواکتیو جان خود را از دست دادند. اما ده‌ها هزار نفر دیگر هم بودند که به شدت تحت تأثیر تشعشعات رادیواکتیو قرار گرفتند. در این حادثه تعداد بازماندگان بیشتر از قربانیان بود. این کتاب مطالعه‌ای است درباره بازماندگان این حادثه. بسیاری از مطالبی که در این کتاب گردآوری شده، ممکن است غیراخلاقی و ناپسند به نظر بیاید. لیودمیلایگناتنکو^۲ همسر آتش‌نشانی است که جزو اولین نفراتی بود که به صحنه حادثه رسید. وی در نخستین مصاحبه‌ای که داشت درباره اوضاع وخیم همسرش یک هفته قبل از مرگش صحبت کرد. همچنین درباره یک جریان غیرعادی سخن گفت که شاید کسی دیگری هیچ‌وقت حاضر به مطرح کردن آن نبود. او گفت: «هر چین و چروکی روی روختی همسرم، باعث زخم شدن بدنش می‌شد. ناخن‌هایم رو اون قدر کوتاه می‌کردم که خون می‌آمدن تا مبادا موقع جابه‌جا کردن همسرم تصادفاً باعث خراشیدگی پوستش بشم.»

برخی از مصاحبه‌ها بسیار هولناک هستند. ویکتور ورژیکوفسکی^۳، سردسته گروه خوینیکی^۴ است که ماه‌ها پس از انفجار، جلسه‌ای را با حضور رؤسای محلی ترتیب می‌دهد. گروه خوینیکی

1. Valery Khodemchuk

2. Lyudmila Ignatenko

3. Viktor Verzhikovskiy

4. Khoiniki

شامل شکارچیان و ماهیگیرانی است که داوطلبانه به این حرفه‌ها مشغول هستند. آن‌ها توضیح می‌دهند منطقه‌ای که حکومت شوروی آن را حوزهٔ استحفاظی خود می‌داند، زمینی به‌وسعت سی کیلومتر در نیروگاه چرنوبیل است. گرچه این منطقه خالی از جمعیت انسانی بود اما حیوانات خانگی هنوز آنجا بودند. سگ‌ها و گربه‌هایی که مقدار زیادی از اشعهٔ رادیواکتیو را جذب کرده بودند، قاعدتاً آواره شده و مجبور به ترک آن منطقه بودند. شکارچیان چاره‌ای نداشتند جز اینکه به آنجا بروند و به همهٔ آن‌ها شلیک کنند تا بمیرند. گزارش‌های دیگر مربوط می‌شد به پاک‌سازی زمین آن منطقه. اقداماتی نظیر حفر کردن زمین و درآوردن ریشهٔ درختان یا تخریب خانه‌ها؛ برای اینکه آن‌ها را به‌عنوان پسماندهای اتمی در زمین خاک کنند. شاید این کارها سخن نیکولای گوگول^۱ را برایشان تداعی می‌کرد که می‌گفت: «فعالیت و اقدامات مردم عادیه که باعث ایجاد آشفته‌گی و بی‌نظمی می‌شه.»

اما در پایان، همین روزمرگی و امور پیش‌پاافتاده ثابت می‌کند که انسان‌ها موجودات منحصربه‌فردی هستند. از نظر آرکادی فیلین^۲، حادثهٔ چرنوبیل باعث از بین رفتن و پاک‌سازی کارکنان آنجا شد. او می‌گوید: «می‌دونم که شما آدم‌های کنجکاوی هستید. مردمی که هیچ‌وقت در چرنوبیل نبودن همیشه کنجکاون. اما چرنوبیل فقط محل جمع شدن آدمایه که ودکا می‌نوشن، کارت‌بازی می‌کنن و سعی می‌کنن دخترای جوون رو فریب بدن.» یا طبق گفتهٔ یکی از شکارچیان: «اگه یه لاک‌پشت رو با ماشین جیب^۳ زیر می‌گرفتیم، می‌دیدیم که لاک اون ترک نخورده. البته فقط وقتی مست بودیم همچین کارایی می‌کردیم!» حتی مست‌اصل‌ترین افراد هم جزو همین اجتماع هستند؛ با همان مشکلات و نگرانی‌ها. شوهر والننتینا پاناسویچ^۴ سال‌ها پس از خدمتش در چرنوبیل به سرطان مبتلا می‌شود و به همسرش می‌گوید: «وقتی که من مردم، ماشین و لاستیک زاپاس آن را بفروشم. اما با تولیک^۵ ازدواج نکن!» تولیک برادرش بود. والننتینا هم سر قولش می‌ماند و با او ازدواج نمی‌کند.

سولانا الکسیویچ از اوایل ۱۹۹۰ تا نیمهٔ آن سال به گردآوری گزارش‌ها و مصاحبه‌ها پرداخت. یعنی تقریباً هم‌زمان با دورانی که جریان‌های ضدکمونیستی به‌عنوان اندیشهٔ سیاسی مجزایی در حکومت پسا شوروی عمومیت یافته بودند. گرچه کسی عمداً چرنوبیل را منفجر نکرد، اما این حادثه در نتیجهٔ فرهنگ و هنجارهای غلطی مانند پارتی‌بازی، اهمال‌کاری،

1. Nikolai Gogol

2. Arkady Filin

3. Jeep

4. Valentina Panasevich

5. Tolik

سهل‌انگاری و بی‌توجهی زیاد به عموم مردم به وقوع پیوست. در رابطه با پیشینه این موضوع همگان متفق‌القول هستند که نظام شوروی در طراحی و تنظیم صحیح راکتورهای هسته‌ای اهمال کاری کرد. پس از آن هم کارکنان نالایق و بی‌صلاحیت را بر سر کار آورد. مصاحبه‌ها و گزارش‌های ذکرشده در این کتاب شاهد این مدعا است که حکومت شوروی سعی کرد جنایت‌های خودش را کتمان کند. در روز اول پس از وقوع این فاجعه، در حالی که بخش اصلی راکتور داشت می‌سوخت و تشعشعات رادیواکتیو را پی‌درپی از خود ساطع می‌کرد، کارشناس‌های آنجا مرتب اظهار می‌کردند که اوضاع تحت کنترل است! یکی از زنانی که همسر خودش را در این حادثه از دست داد، به الکسیویچ می‌گوید: «گه می‌دونستم همسر من توی چنین حادثه‌ای آسیب می‌بیند، تمام درهای خونه رو قفل می‌کردم و خودم هم توی درگاه می‌ایستادم و اجازه نمی‌دادم اون از خونه بیرون بره.» اما افسوس که هیچ‌کس از این ماجرا خبر نداشت.

با این اوصاف، مذاکرات کافی هم وجود دارد که نشان می‌دهد شوروی عمداً نمی‌خواست نیروگاه چرنوبیل را به آتش بکشد. این مسئله از چند منظر مهم است. از یک طرف، بی‌کفایتی، سهل‌انگاری و دروغ‌های محضی که می‌کنند؛ و از طرف دیگر، تلاش‌های صادقانه آن‌ها برای سازش با عواقب و پیامدهای این بحران. یک هفته پس از وقوع این فاجعه، آن‌ها از اعتراف کردن درباره اینکه واقعاً یک جای کارشان می‌لنگید، امتناع می‌کردند. سپس ده‌هزار تن از کارکنان را مرخص کردند و به جای آن‌ها، هزاران نفر دیگر را وارد نیروگاه کردند. این افراد برای مهار آتش از بالای هلیکوپتر بر روی راکتور، کیسه‌های شن می‌انداختند. البته هم‌اکنون تحلیلگران بر این باورند که این اقدام، بیشتر از آنکه مفید واقع شود، خطرناک بوده است. وقتی آتش خاموش شد، از راه سقف وارد نیروگاه شدند و بقایای مواد رادیواکتیو را هم زدودند. دستگاه‌هایی که همراه خود آورده بودند، بر اثر تشعشعات رادیواکتیو از کار افتادند. اما برخلاف آن‌ها علائم در انسان‌ها هفته‌ها یا ماه‌ها بعد ظهور می‌کرد و وجه تمایز آن، این بود که آدم‌ها به طرز وحشتناکی جان خودشان را از دست می‌دادند. در سال ۱۹۸۶ حکومت شوروی، افراد غیرمتخصص و بی‌تجربه را اخراج کرد. دقیقاً مشابه همان کاری که در سال ۱۹۴۱ انجام داد. در آن سال هم افراد بی‌تجربه را از وهرماخت^۱ برکنار کرد و امیدوار بود که حداقل مجبور شود آلمانی‌ها را دیرتر از سایرین از صحنه روزگار محو کند! اما به هر حال طبق گفته‌های سرپرست نیروگاه چرنوبیل، این تلاش هم افاقه‌ای نکرد و حتی شرایط فلاکت‌بارتر شد!